

الف				بسمه تعالی		مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	
				امتحانات نیم‌سال دوم – سال تحصیلی ۹۵-۹۶		معاونت آموزش	
موضوع:		فقه ۲ بخش ۲		پایه:		۴	
تاریخ:		۹۶/۰۳/۰۴		ساعت:		۱۰:۳۰	
نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الامرام تا کتاب المتاجر							
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)							

#### تستی

- لو اضطرَّ السلطان إلى إقامة حدٍّ أو قصاص ظلماً .... ب ۳۹/۲  
 أ. يجوز إلّا القتل أو الحكم المخالف للمشروع ☐  
 ب. يجوز كما يجوز الحكم المخالف للمشروع ☒  
 ج. لا يجوز كالحكم المخالف للمشروع ☐  
 د. لا يجوز إلّا في الحكم المخالف للمشروع ☐
- المعتبر في الشروط المعتبر في الشهادة وقت .... أ ۱۱۵-۶/۲  
 أ. الأداء ☒  
 ب. التحمل ☐  
 ج. الأداء و وقت التحمل ☐  
 د. الأداء أو وقت التحمل ☐
- ما يثبت بالرجال و النساء و لو منفردات ك ..... د ۱۲۵/۲  
 أ. الديون ☐  
 ب. القذف ☐  
 ج. حدّ السرقة ☐  
 د. الولادة ☒
- في الوطى قبل المشعر .... بدنة. د ۱/۵۶۸  
 أ. عامداً ولو لم يكن عالماً بالتحريم ☐  
 ب. عالماً بالتحريم ولو لم يكن عامداً ☐  
 ج. عامداً أو عالماً ☐  
 د. عامداً وعالماً ☒

#### تشریحی

\* الكفارة في كسر كل بيضة من الدراج من صغار الغنم إن تحرّك الفرخ و إلّا يتحرّك أرسل في الغنم بالعدد فإن عجز عن الإرسال فكبيض النعام. كذا أطلق الشيخ و ظاهره أنّ في كلّ بيضة شاةً فإن عجز أطمع عشرة مساكين فإن عجز صام ثلاثة أيام. و يشكل بأن الشاة لا تجب في البيضة ابتداءً بل إنّما يجب نتائجها حين تولّد على تقدير حصوله و هو أقلّ من الشاة بكثير فكيف يجب مع العجز؟ ۵۵۹/۱

۱. عبارت «يشكل» در مقام بیان چه اشکالی است؟ توضیح دهید.

اشکال بر ظاهر عبارت شیخ طوسی است که وقتی کفاره را مثل کفاره تخم شتر مرغ می‌داند ظاهرش آن است که وقتی از ارسال گوسفندان نر بر گوسفندان ماده عاجز شد به جای هر تخمی که شکسته باید یک گوسفند بدهد. اما اشکال آن است که اگر ارسال بر او ممکن بود بر فرض تولد بچه گوسفند، آن بچه را باید به عنوان کفاره می‌داد نه خود گوسفند را، در حالی که بچه گوسفند از نظر قیمت از خود گوسفند بسیار کمتر است، پس چطور ممکن است که بگوییم اگر از ارسال عاجز بود باید خود گوسفند را به عنوان کفاره بدهد؟

\* العمرة المفردة إذا أفسدها قضاها في الشهر الداخل بناءً على أنّه الزمان بين العمرتين و لو جعلناه عشرة أيام اعتبر بعدها و على الأقوى من عدم تحديد وقت بينهما يجوز قضاؤها معجلاً بعد إتمامها. ۵۷۴/۱

۲. نظریاتی را که مطرح شده، تبیین کنید.

در خصوص اینکه فاصله بین دو عمره باید چقدر باشد سه قول مطرح شده است: ۱. در هر ماه، یک عمره واقع می‌شود. بنابراین اگر کسی عمره‌اش فاسد شد باید ماه بعدی عمره را دوباره تکرار کند. ۲. بین دو عمره باید ده روز فاصله شود. در این صورت فرد مزبور ده روز پس از پایان عمره فاسد، باید عمره را دوباره تکرار نماید. ۳. نظر شهید آن است که هیچ‌گونه فاصله‌ای بین دو عمره لازم نیست، بنابراین به مجرد اینکه عمره فاسد تمام شد، باید بلافاصله آن را قضا کند.

\* العمرة مستحبة مع قضاء الفريضة في كل شهر. و في التقييد بقضاء الفريضة اشارة إلى عدم جوازها ندباً مع تعلّقها بذمته وجوباً لأنّ الاستطاعة للمفردة ندباً يقتضى الاستطاعة وجوباً غالباً. ۵۸۵/۱

۳. أ. مقصود از «قضاء الفريضة» چیست؟ ب. «لأنّ...» علت برای چیست؟ توضیح دهید.

أ. یعنی انجام دادن عمره واجب. ب. علت برای اینکه در صورتی که عمره واجب به گردن شخص باشد انجام عمره مستحب جایز نیست؛ زیرا غالباً هر کسی استطاعت برای عمره مستحبی دارد توانایی انجام عمره واجب را هم دارد.

\* في جَزِّ المرأة شعرها في المصاب كفارة ظهار و قيل كبيرة مخيرة استناداً إلى رواية ضعيفة. و الأقوى عدم الكفارة مطلقاً لأصالة البرائة. نعم يستحبّ لصلاحيّة الرواية لأدلة السنن. و هل يفرّق بين الكلّ و البعض؟ ظاهر الرواية اعتبار الكلّ لإفادة الجمع المعروف أو المضاف العموم و استقرب في الدروس عدم الفرق لصديق «جز الشعر» و «شعرها» عرفاً ببعض. ۷/۲-۴۶

۴. أ. تفسير «كبيّرة مخيرة» را نوشته، عبارت «لصلاحيّة الرواية لأدلة السنن» را توضیح دهید. ب. استدلال بر «اعتبار كلّ شعر» را توضیح دهید.

أ. كبيّرة مخيرة: یعنی همان كفارة بزرگ یا همان كفارة ظهار اما به نحو تخيير. در مقابل كفارة کوچک که كفارة قسم است.

لصلاحيّة...: یعنی این روایت، با توجه به قاعده تسامح در ادله سنن می تواند استحباب كفارة را ثابت کند (اما چون ضعیف السند است برای اثبات وجوب کارایی ندارد). ب. آنها که می گویند تمام موها باید کنده شود تا كفارة لازم آید، استدلال کرده اند که در حدیث یا به صورت جمع معرف به آل آمده یا به صورت مضاف آمده (جزت شعرها - جز الشعر) که مفید عموم است.

\* الذكور البالغون يقتلون إن أخذوا و الحرب قائمة إلّا أن يسلموا فيسقط قتلهم و يتخير الامام ﷺ بين استرقاقهم و المنّ عليهم و الفداء و قيل يتعيّن المنّ عليهم هنا لعدم جواز استرقاقهم حال الكفر فمع الاسلام أولى. ۲۵/۲

۵. أ. دو نظریه مطرح شده را بنویسید. ب. دلیل نظر دوم چیست؟

أ. کافری که در حال جنگ اسیر می شود اگر اسلام بیاورد یک قول آن است که نمی توان او را کشت ولی امام مخیر است که او را اسیر نماید یا مجانی آزاد کند یا فدیة بگیرد و آزاد کند. قول دوم است که در این صورت، تنها باید او را مجانی آزاد کرد.

ب. زیرا اگر وی در حال کفر می ماند، اسیر کردن و به رقیّت درآوردنش جایز نبود، پس اکنون که مسلمان شده به طریق اولی نباید وی را به اسارت درآورد.

\* لا يجوز الفرار من الحرب إذا كان العدو ضعفاً أو أقل إلّا لمتحرّف لقتال أو متحيّز إلى فئة و لا يجوز قتل الصبيان إلّا مع الضرورة بأن تترّسوا بهم.

۶. معنای کلمات مشخص شده را بنویسید. ۸/۲-۱۷

ضعف: دو برابر بودن. متحرّف لقتال: کسی که به جهت تاکتیک نظامی فرار می کند تا جای بهتر یا حالت بهتری پیدا کند.

متحيّز إلى فئة: کسی که خود را به گروه دیگری ضمیمه می کند تا از آنها کمک بگیرد. تترّسوا بهم: آنها را سپر خود قرار دهند.

\* لا بدّ من كون الجزاء (في النذر) طاعة إن كان نذر مجازاة لقول الصادق ﷺ في خبر أبي الصباح الكناني: «ليس النذر بشيء حتّى يسمّى شيئاً لله صياماً أو صدقة أو هدياً أو حجّاً». إلّا أنّ هذا الخبر يشمل المتبرّع به من غير شرط و المصنّف لا يقول به. ۶۳/۲

۷. أ. مقصود از «نذر مجازات» را بنویسید. ب. عبارت «إلّا أنّ هذا الخبر» چه مطلبی را بیان می کند؟

أ. نذری که مشتمل بر شرطی باشد. ب. در مقام بیان اینکه روایت مزبور تفاوتی بین نذر تبرعی و نذر مجازات نگذاشته و در هر دو مورد می فرماید جزاء باید طاعت و شیء راجع باشد در حالی که خود مصنف هم معتقد است جزاء در نذر تبرعی می تواند مباح باشد.

\* لو تَضَمَّنَتِ الْقِسْمَةُ رَدًّا لَمْ يَجِبِ الْمَمْتَنِعُ مِنْهُمَا وَ كَذَا لَا يَجِبُ الْمَمْتَنِعُ لَوْ كَانَ فِيهَا ضَرَرٌ كَالْعَضَائِدِ الضَّيِّقَةِ فَلَوْ طَلَبَ أَحَدُهُمَا الْمَهَايَةَ جَازَ. ۱۰۶/۲

۸. أ. چگونه «قسمت» متضمن رد می‌شود؟ ب. معنای «العضائد الضيقة» و «مهاياة» را بنویسید.

أ. در صورتی که لازم بیاید مال اضافه‌ای خارج از آن مال مشترک از یکی از دو شریک به دیگری داده نشود.

ب. دکان‌های تنگ. مهاياة: قسمت المنفعة بالأجزاء أو بالزمان.

\* يَصَحُّ الرَّجُوعُ فِي الْهَبَةِ بَعْدَ الْإِقْبَاضِ مَا لَمْ يَتَصَرَّفَ الْمَوْهُوبُ تَصَرُّفًا مُتَلَفًا لِلْعَيْنِ أَوْ مَانِعًا مِنَ الرَّدِّ كَالِاسْتِيلَادِ أَوْ مَغْيَرًا لِلْعَيْنِ كَقَصَارَةِ الثَّوْبِ أَوْ يَعْوُضُ عَنْهَا

بِمَا يَتَّفَقَانِ عَلَيْهِ. ۱۶۱/۲

۹. مواردی را که «رجوع در هبه» در آنها صحیح نیست با مثال بنویسید.

در صورتی که شخص موهوب، عین را تلف کرده باشد؛ مثلاً اگر خوردنی است آن را بخورد.

در صورتی که اگر مال موهوب کنیز است او را بچه‌دار کند و هر کاری که مانع ردّ است.

اگر کاری کند که عین مال موهوب تغییر کند؛ مثل شستشوی لباس.

در صورتی که واهب، عوض از هبه، چیزی را گرفته باشد (هبه معوضه).